

## ویژگی‌های سخن تبلیغی از منظر قرآن کریم

سید جاسم پورمحمدیان<sup>۶</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۳

### چکیده

قرآن کریم ظاهری زیبا و باطنی ژرف و عمیق دارد. این کتاب مقدس، انسان‌ها را به گفتار و گفت‌وگوی نیک دعوت می‌کند. سخن تبلیغی یکی از ابزارهای مهم مبلغان دین است؛ از این رو موفقیت آنها در گرو نحوه به کارگیری سخن تبلیغی است. گفتار تبلیغی، سخنانی هدفمند و دارای ویژگی‌های خاص است که اوصاف آن در قرآن کریم ذکر شده است. تحقیق پیش روی به ویژگی‌های سخن تبلیغی از منظر قرآن پرداخته و ارتباط هر یک از اوصاف سخن را با مخاطبان خاص آن بررسی کرده است؛ چرا که به کار گرفتن صحیح سخن تبلیغی، فرع بر شناخت آن است و آشنایی با ویژگی‌های آن، مقدمه‌ای برای ارتقای گفت‌وگوی تبلیغی و سخنوری در عرصه تبلیغ دین است. گردآوری اطلاعات پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای بوده، با دید توصیفی - تحلیلی به کاوش داده‌های آن پرداخته است. تکیه بر آیاتی که بلافاصله بعد از موصوف (قولاً)، صفت سخن (بلیغاً، کریماً، معروفاً، حسناً و...) آمده است، محورهای تحقیق حاضر، برای رسیدن به ویژگی‌های سخن تبلیغی در قرآن است. تکیه بر اقوال تفسیری و استخراج وجه مشترک آنها، روش غالبی برای رسیدن به چگونگی سخن گفتن در عرصه تبلیغ بوده است. هر کدام از ویژگی‌های سخن تبلیغی مبتنی بر رویکرد خاص و نوعی مخاطب است که توجه به آن و رعایت لوازمش تاثیر مطلوبی بر مخاطب خواهد داشت.

**کلیدواژگان:** تبلیغ دین، سخن تبلیغی، سخنرانی، مبلغان دین.

<sup>۶</sup>. دانش پژوه سطح ۴ رشته تخصصی تبلیغ حوزه علمیه قم.

## مقدمه

قرآن کریم کتابی از سوی خداوند برای راهنما و هدایت بشر است؛ از این رو می‌توان مبانی، اصول و شیوه‌های هدایت و تبلیغ را از آن استخراج کرد. ویژگی‌های سخن انبیا و بندگان مخلص خداوند به عنوان مبلغان دین و هادیان جامعه در قرآن ذکر شده است. بلیغ، کریم، معروف، حسن، احسن، لاین، سدید و میسور از اهم ویژگی‌های سخن تبلیغی در قرآن کریم است. انبیای الهی در سه حوزه اندیشه، رفتار و گفتار، الگوهای کاملی هستند، که الگوبرداری از آنها در حوزه تبلیغ دین ضروری است. سخنان مبلغ دین باید بر اساس آموزه‌های انبیای الهی صورت گیرد.

چنانچه سخنان تبلیغی به لحاظ بلاغت و تکریم همانند سخنان انبیای الهی بر زبان جاری گردد، بی شک در رساندن مقصود معانی و تحقق اهداف تبلیغ دین موفقیت‌هایی به دست خواهد آمد، در غیر این صورت گاهی اوقات ضررهای غیرقابل جبرانی به حوزه تبلیغ دین وارد می‌شود. سخن‌پژوهی برای سخنرانان و مبلغان دین ضرورتی فراوان دارد، که باید با رویکرد قرآنی انجام گیرد و از این طریق، مبلغ دین متناسب به نوع مخاطب، زمان و مکان سخن گفته، به اهداف تبلیغی نائل گردد.

محکم‌ترین سخنان در لفظ و محتوا همان سخنان الهی در قرآن کریم است. کلام قرآنی با فطرت و عقل بشری سازگاری دارد و این امتیاز ویژه از سایر سخنان توانسته است که هدایت افراد را در مکان‌های مختلف جهان رقم بزند. یکی از اهداف مهم پژوهش حاضر این است که سخنان مبلغ دین صبغه قرآنی گرفته و قرآن را به عنوان الگوی سخن زیبا و ژرف مطالعه کند و کاربرد سخن تبلیغی، به صورتی دینی و فرامذهبی در جامعه جهانی ظهور کند.

این نکته حائز اهمیت است که همه ویژگی‌های سخنان انبیا از اهمیت خاصی برخوردارند، ولی نوع مخاطب و مکان و زمان سبب می‌گردد که مبلغ دین بر اساس شرایط به وجود آمده، بر یک سری از ویژگی‌های خاص سخن، تکیه و مراقبت بیشتری داشته باشد.

نکته دیگر اینکه دو راهکار مهم برای ایجاد زمینه در نظریه پردازی تبلیغی در پژوهش حاضر به کار گرفته شده است:

۱. وجه اشتراک نظریه‌های تفسیری .
۲. دلیل روایی بر تعمیم معنای آیات برای رسیدن به قواعد کلی در حوزه سخن پژوهی.

### اوصاف سخن تبلیغی در قرآن کریم

قرآن «قول ثقیل» است. (سوره مزمل، ۵) کتاب تفسیر نمونه درباره قول ثقیل آورده است: «سنگین از نظر محتوا و مفهوم آیات و بیان مسئولیت‌ها و همچنین سنگین از نظر تبلیغ، و بالاخره سنگین از نظر برنامه‌ریزی و اجرای کامل آن». (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ش: ج ۲۵، ص ۱۶۸) تبلیغ دین خداوند و فرامین او بار بس سنگینی است که لازمه تحقق این امر مهم، قرآن محور بودن مبلغ دینی در حوزه تبلیغ است. قرآن کریم وصف‌های گوناگونی را برای گفتار بیان کرده است، اما فقط آیاتی که به صورت صریح وصف سخن را گفته است، به عنوان سخن تبلیغی در پژوهش حاضر تحلیل شده است:

#### ۱. کلام «بلیغ»: رسا و پیراسته

«بلاغت» در لغت به معنای وصول و به انتها رسیدن است و بلیغ در لغت به معنی «رسا» است و کلام بلیغ، کلامی است که در رساندن مراد و مقصود متکلم به سامع، وافی و رسا باشد و این رسا بودن درجاتی دارد. (کمالی دزفولی، قرآن ثقل اکبر، ۱۳۷۲ش: ص ۱۹۱) رسا بودن سخنان، زمینه‌ساز تأثیر آن در نفوس مخاطبان است. در ادبیات عرب، کلمه بلیغ گفته نمی‌شود، چون کلمه به تنهایی در نفس مخاطب تأثیر نمی‌گذارد، مگر این که با کلمات دیگر پیوند بخورد و یا در جمله‌ای باشد، و کلام از آن جهت به آن بلاغت گفته‌اند که معنا را به قلب شنونده می‌رساند؛ یعنی «مطابقت کلام با مقتضای حال» است. (عضیمه، معنا شناسی واژگان قرآن، ۱۳۸۰ش: ص ۱۲۷) امام علی (ع) به فرزندش امام حسن (ع) فرمودند: «بلاغت، روشن ساختن حکمت مبهم و علم دشوار است.» ایشان به فرزندش

محمد بن حنفیه نیز فرمود: «بلاغت، سخنی است همراه با ژرفا، در لطافت عمیق.» (همان) بلاغت

یکی از اقسام حکمت است و معنی را به نحوی شایسته و موجز به دیگران می‌رساند.

قرآن کریم درباره بلاغت سخن می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ

فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَعَظُهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا؛ اینان کسانی هستند که خدا آنچه را [

از نیات شوم و کینه و نفاق] در دل‌های آنان است می‌داند؛ بنابراین از آنان روی برتاب، و

پندشان ده و به آنان سخنی رسا که در دلشان اثر کند بگویی.» (سوره نساء، ۶)

مفسران به حسب لوازم، آثار و فواید بلاغت، آیه «قَوْلًا بَلِيغًا» را تفسیری متفاوت

کرده‌اند؛ از لوازم سخن بلیغ، رسا و شفاف بودن است، یعنی در مقام موعظه، باید صریح و

آشکارا مخاطبان را نسبت به عواقب کار و سرنوشتشان هشدار داد. (قرائتی، تفسیر نور،

۱۳۸۸ش: ج ۲، ص ۹۶؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن،

۱۴۰۸ش: ج ۶، ص ۱) و آنها را اندرز داده و با بیانی رسا نتایج اعمالشان را به آنها گوشزد

نمود. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ش: ج ۳، ص ۴۴۷) سخن علاوه بر صراحتش باید

ساده و قابل فهم مخاطب باشد؛ یعنی به ایشان سخنی بگو که دل‌هایشان آن را درک کند و

بفهمند چه می‌گویی. (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۴ش: ج ۴، ص ۶۴۰)

هدف از سخن بلیغ همان تاثیر مطلوب در دلهاست، یعنی ژرف و مؤثر؛ سخنی که

کاملاً در آنها تأثیر کند، و مراد در آیه یعنی آنها را بترسان که اگر نفاق قلبی آنها آشکار

شود، مجازات مشخص شده جاری خواهد شد، این سخن بلیغ تأثیرگذار بر نفوس است.

(مراغی، تفسیر المراغی، بی تا: ج ۵، ص ۷۴؛ کاشانی، تفسیر المعین، ۱۴۱۰ش: ج ۱، ص ۲۳۲)

و همچنین رادع و بازدارنده از گناه است. (بیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ۱۴۱۸ش:

ج ۲، ص ۸۱) با توجه به نوع مخاطب، همیشه سخن بلیغ صرفاً برای تهدید و انذار نیست، بلکه

در جهت‌های متفاوتی به کار گرفته می‌شود و اساس تأثیر سخن بلیغ این است که سبب

تحریک فطرت الهی و توحیدی مخاطب می‌شود. (علوان، الفواتح الإلهیة و المفاتح الغیبیة،

۱۹۹۹م: ج ۱، ص ۱۵۷) چرا که قولی ملایم و موافق و مطلوب است؛ از این رو به دلها نفوذ

کرده و تاثیر خود را می‌گذارد. برای تاثیر کلام در نفوس می‌بایست سخن کامل و بلیغ بوده و از نقص به دور باشد. آری! مخاطبان لجوج که حق طلب نبوده و خواهان هدایت نیستند، سخن بلیغ حجت را بر آنها تمام می‌کند که راه عذری بر احدی از آنها باقی نماند. (طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۶۹ش: ج ۴، ص ۱۲۲)

سخن بلیغ همان وعد و وعید است؛ یعنی طوری سخن گفته شود که بشارت و انداز با همدیگر باشد. (موسوی سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ص ۳۷۵) انبیا و مبلغان دین به مقتضای شفقت و مهربانی که به آحاد مردم دارند، زبان وعظ آنها همراه با بشارت است و اگر به تخویف الهی سخن گویند برای این است تا کفر و سستی در ایمان باعث شادمانی آنها نگردد. بلاغت در سخن تأثیرش طوری است که مساوی ابزار و آلات جنگی قرار می‌گیرد، البته کلام سخنران دین نباید دارای معنای پیچیده باشد، بلکه با مثال‌های واضح و قریب به ذهن، سعی بر شفافیت آن کند و الفاظ غریب و کنایات نامستعمل به کار نگیرد؛ (طوسی، اخلاق ناصری، ۱۴۱۳ق: ص ۱۹۰) از این رو مبلغ دین می‌بایست اصطلاحات فقهی، کلامی و اخلاقی را از حالت پیچیدگی فنی و علمی بیرون آورده، با بیانی ساده، رسا و شفاف برای مردم تبیین کند.

## ۲. قول «کریم»: سخن ارجمند

«کریم» از صفات خداوند است و به ذاتی که جامع خیر و فضائل باشد، اطلاق می‌گردد، (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵ش: ج ۶، ص ۱۵۲) و اسم جامعی است برای هر آنچه قابل ستایش است؛ (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ص ۵۱۰) از این رو قرآن نیز به صفت «کریم» متصف است. (سوره واقعه، ۷۷) این صفت برای سخن هم استعمال شده که به معنای گفتار بزرگووارانه است. خداوند این ویژگی سخن را بیشتر و به‌ویژه در مورد والدین سفارش کرده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ و پروردگارت فرمان قاطع داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی

کنید؛... و به آنان سخنی نرم و شایسته [و بزرگوارانه] بگو». (سوره اسراء؛ ۲۳) اقوال مفسران در «قولاً کریماً» در موارد ذیل خلاصه می‌شود:

قول کریم و کریمانه یعنی گفتاری حَسَن و نرم باشد، (مقاتل، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ج ۲، ص ۴۹۹؛ قمی، تفسیر القمی، ۱۳۶۳ش: ج ۲، ص ۱۸) سخنی که بهترین واژگان و معنا را در برگیرد. (ابن جوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۲۵) احوال و گفتار فرزند در مقابل والدین باید متواضع و افتاده باشد، برخی مفسران دعا در حق والدین را قول کریم دانسته‌اند حتی اگر زدنی از آنها سرزند، (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۴ش: ج ۱۳، ص ۱۳۴؛ اشکوری، تفسیر شریف لاهیجی، ۱۳۷۳ش: ج ۲، ص ۷۸۸) یا آنکه هر آنچه پدر و مادر خواستند، با گفتاری مثبت اجابت کند، (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹ق: ج ۷، ص ۲۳۲۴) تکریم و تعظیم والدین در حقیقت همان قول کریم است؛ یعنی با آنها با نرمی و لطف و مهربانی سخن بگوییم و سخن لغو و زشت، در برابر آنها بر زبان نیاوریم و از این راه آنها را گرامی بداریم. در واقع، گفتار پسندیده و گرامی، دلیل گرامی بودن کسی است که انسان با او سخن می‌گوید. (طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، بی تا: ج ۱۴، ص ۱۱۷) بعضی گفته‌اند، به آنها بگوید: پدر جان! مادر جان! چنان که حضرت ابراهیم به پدرش، با این که کافر بود، این گونه رفتار می‌کرد، پس نباید انسان پدر و مادرش را به اسم صدا بزند، یا به آنها درشتی کند؛ زیرا این امر، جفا و بی‌ادبی به آنهاست. (طبرسی، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ۱۳۷۵ش: ج ۳، ص ۴۵۰)

صدا نزدن والدین به اسم، تنها یک مصداق سخن کریمانه است. با توجه به توسع معنایی واژه «أب» در آیات و روایات، تکریم و احترام ویژه در این آیه را می‌توان به افراد ذیل نیز سرایت داد:

۱. پدر تربیتی: داستان حضرت ابراهیم (علیه السلام) که به آزر گفت: «یا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا؛ پدرم، به یقین می‌ترسم که عذابی از سوی [خدای] رحمان به تو برسد و در نتیجه همنشین شیطان شوی». (سوره مریم؛ ۴۵) در

پیامی از منظر قرآن کریم

مورد نسبت آزر به ابراهیم (ع) نزد مفسران سه دیدگاه متفاوت وجود دارد: الف) پدر تربیتی، ب) عمو، ج) پدر؛ ولی نزد محققان به دلیل کافر بودن آزر و طهارت انبیا از نسلی همچون او؛ تنها قول اول و دوم مورد تایید است. بنابر دو قول یاد شده، می‌توان توسع در تکریم را به پدر تربیتی و عموی خویش نیز داد. ۲. پدر معنوی: واژه «أب» به اهلیت علیهم السلام به عنوان پدران معنوی نیز اطلاق شده است: پیامبر (ص) فرمودند: «يَا عَلِيُّ أَنَا وَ أَنْتَ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ ای علی! من و تو پدران این امت هستیم». (فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ۱۳۶۶ش: ج ۲، ص ۳۲۲) در برخی از کتاب‌هایی که جنبه روایی نداشته، اما روایاتی در آنها مشاهده می‌شود، عبارت «الآباء ثلاثه: أبٌ ولدك، و أبٌ زوجك، و أبٌ علمك؛ به سه شخص پدر اطلاق می‌شود: پدر نسبی، پدر زوجه و معلم»، (نراقی، جامع السعادات، بی تا: ج ۳، ص ۱۴۰؛ امینی، الغدير في الكتاب و السنة و الأدب، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۶۵۰) به عنوان حدیث ذکر شده است. ملا محمد مهدی نراقی ذیل سخن مطرح در پرسش (کدام أب برتر است؟) می‌گوید: برترینشان معلم است؛ (نراقی، جامع السعادات، بی تا: ج ۳، صص ۱۴۰-۱۴۱) از این رو سخن کریمانه با اساتید و مربیان خویش ضرورت مضاعف دارد.

نقطه آغازین تبلیغ هر مبلغ دین همان خانواده و نزدیکان خویش است، (سوره الشعراء، ۲۱۴) که در رأس کانون خانواده، والدین هستند. پدر و مادر نیازمند سخنان کریمانه و لطیف بوده، در صورت نیاز به پند و اندرز باید به نحو محترمانه برای آنها مسائل را تبیین نمود. اگر مبلغ دین نتواند این ویژگی سخن را نسبت به والدین خود به کار گیرد، قطعاً توانایی به کارگیری سخن کریمانه برای بزرگسالان جامعه را نخواهد داشت. احترام به بزرگسالان در آموزه‌های دینی، لازم و واجب است؛ (ابن بابویه، الأمالی، ۱۳۷۶ش: ص ۹۴) بنابراین چنانچه مخاطبان از اساتید و بزرگان باشند، باید توجه خاصی به این ویژگی سخن در تبلیغ و سخنرانی داشت و تواضع و نرمی سخن در مقابل بزرگان مجلس را آشکار نمود.

### ۳. گفتار «معروف»: شایسته

سه آیه‌ای که «قول معروف» در آن ذکر شده است عبارتند از: الف. سخن معروف زنان با نامحرمان در جامعه (سوره احزاب، آیه ۳۲) ب. سخن معروف خواستگار مرد از زن بیوه در عده وفات (سوره بقره، ۲۳۵) ج. سخن معروف افراد و وارثان با ایتام و سفیهان. (سوره نساء، ۵ و ۸) اگرچه سه نوع افراد یادشده نیاز به قول معروف دارند، اما در این جا تنها سخن شایسته زنان در مقابل نامحرمان تبیین شده است. ترویج سخن معروف در جامعه، ارتقای فرهنگ آن را به همراه خواهد داشت. اگر گفتار در جامعه بر محور قرآن نباشد و سخنان به طور شایسته بر زبان جاری نشود، شایسته‌گویی در آن جامعه زائل خواهد داد. زنانی که از جایگاه اجتماعی بالایی برخوردارند، نقش مهمی در ترویج عفت بیان دارند. خداوند متعال می‌فرماید: «یا نساء النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ اتَّقِيْتَنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ ای همسران پیامبر، شما اگر پرهیزکاری پیشه کنید [از نظر منزلت و موقعیت] مانند هیچ یک از زنان نیستید، پس در گفتار خود، نرمی و طنازی [چنانکه عادت بیشتر زنان است] نداشته باشید تا کسی که بیمار دل است طمع کند، و سخن پسندیده گویند». (سوره احزاب، ۳۲)

برخی مفسران «قول معروف» را محتوای کلام دانسته، (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۲ش: ج ۱۷، ص ۲۸۸؛ قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۸ش: ج ۷، ص ۳۵۸) و برخی دیگر آن را همان کیفیت سخن، تفسیر نموده است؛ یعنی نباید زنان سخن خود را نازک و نرم کنند و با ناز و عشوه سخن بگویند، که آن یک نوع تحریک شهوت در نحوه سخن‌گویی است و باید به‌طور متعارف سخن گویند. (قرشی بنابی، قاموس قرآن، ۱۳۷۱ش: ج ۲، ص ۲۵۷) البته می‌توان گفت که «قول معروف» (گفتار نیک و شایسته) معنی عامی دارد که - علاوه بر آنچه گفته شد - به هر گونه سخنی که از باطل و گناه به دور باشد، اطلاق می‌شود. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۲ش: ج ۱۷، ص ۲۸۹) قرآن کریم به همسران رسول خدا (ص) سفارش می‌کند که خضوع در سخن نداشته باشند، یعنی در برابر نامحرمان آهنگ سخن گفتن را



نازک و لطیف نمایند، چرا که دل مخاطب دچار ریه، و وسوسه‌های شیطانی می‌شود؛ از این رو «قول معروف» در آیه یعنی سخن متعارف و عادی بگویید که از منظر شرع و عرف اسلامی (نه هر عرفی) جایز و پسندیده باشد. سخن زنان در مقابل نامحرمان باید به اندازه ضرورت و در رساندن مقصود کلام بدون کرشمه و ناز باشد، (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۴ش: ج ۱۶، ص ۴۶۱) تا به واسطه عفت کلام بتواند خود و جامعه را از گناه حفظ کنند. زنان متدین و محجبه برای دیگران سرمشق و الگو هستند؛ پس تکلیف آنها سنگین‌تر از زنان دیگر است و پاداش آنها نیز دو برابر خواهد بود؛ (قرشی بنابی، تفسیر احسن الحدیث، ۱۳۷۵ش: ج ۸، ص ۳۴۸) از این رو علاوه بر حفظ پوشش ظاهری و عقیده‌ی باطنی، به نحوه سخن گفتن با نامحرمان نیز باید توجه خاص داشته باشند.

فرهنگ برین و شوکت آفرین اسلام، برای حراست از عفت بیان، با سخنانی که از حریم عفت به دور است، به مبارزه برخاسته است. سخن معروف (شایسته) باید برای زنانی که در عرصه تبلیغ، تدریس یا پژوهش هستند، سرلوحه قرار گیرد؛ همچون سفارش خداوند به زنان پیامبر (ص) مبنی بر اینکه آنها الگوی جامعه هستند و باید با صدای متین و بامحتوا سخن بگویند؛ پس زنان در جامعه هنگام سخن گفتن باید جدی و عادی سخن بگویند نه با لحن ظریف و تعبیرات تحریک‌کننده که با رفتار و اطوار خاصی همراه است و افراد ضعیف النفس را به فکر گناه می‌اندازد.

#### ۴. گفتار «حسن»: نیکو

مخاطبان دین دارای اندیشه‌های متفاوتی هستند، قرآن کریم برای تعامل همگانی سفارش به سخن نیکو کرده است، مبلغان دین به دلیل حساس بودن رسالت تبلیغی آنها باید سخن نیکو را بیش از دیگران در گفت‌وگوی خویش رعایت کنند و با همگان این ویژگی سخن را به کار گیرند، قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ یعنی به مردم سخن نیکو بگویید». (سوره بقره، ۸۳) در این آیه موصوف (قولاً) حذف شده و صفت (حسناً) جایگزین آن شده است، یعنی «قولاً حسناً» بوده است. (فارسی، الحجة فی القراءات

السبع، ۱۴۱۳ق: ص ۸۴) مفسران در تبیین معنای «حسناً» تعابیر مختلفی دارند که عبارتند از: گفتار صادق، (مبیدی، کشف الاسرار و عدة الابرار، ۱۳۷۱ش: ج ۱، ص ۲۴۲) خوبی فراوان، (کاشانی، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ۱۳ش: ج ۱، ص ۲۲۲) امر به معروف و نهی از منکر، (محلّی، تفسیر الجلالین، ۱۴۱۶ق: ص ۱۵) سخن محبت آمیز، (علوان، الفواتح الإلهیة و المفاتح الغیبیة، ۱۹۹۹م: ج ۱، ص ۴۰) نصیحت و موعظه. (ابن عجبیه، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۱۲۷)

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «و قولوا للناس حسناً» یعنی مردم به‌طور همگانی. (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ج ۱، ص ۳۲۹) یا در حدیث دیگری از حضرت (ع) در تفسیر آیه مذکور آمده است: «آن گفتاری که دوست دارید مردم به شما بگویند، بهتر از آن را به مردم بگویید، در حقیقت خداوند، لعن کننده و فحاش به مومنین را مبعوض می‌دارد». (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳ق: ج ۶۵، ص ۱۵۲) امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» یعنی به همه مردم، مؤمنین و مخالفین سخن نیک گوید. (فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۱۵۰) وجه مشترک احادیث تفسیری در ذیل آیه یاد شده، همان توصیه به صبر و سعه صدر داشتن با گفتاری نیک و خوش است؛ گفتاری صادقانه و عادلانه که منشأ آن خیر خواهی برای دیگران باشد. این ویژگی سخن حاکی از تبلیغ دین در سطح بین المللی است، چرا که تبلیغ و تبیین مسائل دین با گفتار نیک را برای همه مخاطبان به صورت عام مورد سفارش قرار داده است و مسلمانان و غیر آنها را شامل می‌شود. زیرا مقصود از «للناس» ظاهراً جنس بشر است؛ از این رو تعاملات دینی همه افراد جهان را در بر می‌گیرد. (داورپناه، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ۱۳۶۶ش: ج ۲، ص ۲۹۴)

### ۵. گفتار «احسن»: نیکوتر

قرآن کریم بهترین کلام است. «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ؛ خداوند بهترین گفتار را نازل کرد»، (سوره زمر، ۲۳) به همین دلیل تبعیت از آن سفارش شده است: «وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ

ما أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ؛ از بهترین چیزی که از جانب پروردگارتان نازل شده است پیروی کنید» (سوره زمر، ۵۵) که مقصود قرآن کریم است. بندگان مخلص خداوند همیشه به دنبال بهترین سخن‌ها هستند: «... الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ؛ کسانی که سخنان را می‌شنوند، و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند» (سوره زمر، ۱۸) از این رو همان‌طور که از قول احسن (بهترین گفتار) باید تبعیت کرد، در گفتار خویش نیز باید مقید به آن بود. مبلغ دین باید در هر شیوه‌ای از اقناع اندیشه (برهان یا جدل) قرآن محور باشد: «وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ و با آنها به روشی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن». (سوره نحل، ۱۲۵) صاحب مجمع البحرین در تفسیر این آیه فرموده: «یعنی بالقرآن». (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵ش: ص ۵۰۳) مستندات تبلیغ دینی باید متکی بر قرآن و مبانی آن باشد، به دلیل آنکه قرآن حاوی بهترین استدلال‌ها و شیوه‌های تبلیغی است که تاثیر جامع و کاملی بر مخاطب دارد.

«قول احسن» در قرآن کریم آمده است: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ و خوش‌گفتارتر از کسی که به سوی خدا دعوت کند و کار شایسته انجام دهد کیست؟ و گوید: من از تسلیم شدگان [در برابر فرمان‌ها و احکام خدا] هستم». (سوره فصلت، ۳۳) قرآن در اینجا سخن احسن را همان دعوت به خدا می‌داند. آیه به صورت استفهام انکاری آمده است؛ یعنی هیچ‌کس سخنش از داعیان به سوی الله و منادیان توحید بهتر نیست؛ همان منادیانی که با عمل صالح خویش، دعوت زبانی خود را تثبیت می‌کنند. (امامی، فرهنگ قرآن، اخلاق حمیده، ۱۳۸۹ش: ج ۱، ص ۵۴۰) یکی از راههای دعوت الی الله آن است که در گفتار و رفتار خود تنش‌زدایی نماییم: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ همیشه بدی را به بهترین شیوه دور کن»؛ (سوره فصلت، ۳۴) از این رو یکی از مصادیق عبارت «أَحْسَنُ قَوْلًا» این است که بدی دیگران را با نیکی دفع کنیم.

«قول احسن» نزد مفسران به طور متفاوت - ولی نزدیک به هم - تفسیر شده است که عبارتند از: توحید، (مقاتل، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ج ۳، ص ۷۲۷) اطاعت خدا،

(مبیدی، کشف الاسرار و عدة الابرار، ۱۳۷۱ش: ج ۸، ص ۵۲۲) و دفع سیئه به حسنه. (خطیب، التفسیر القرآنی للقرآن، ۱۴۲۴ق: ج ۱۲، ص ۱۳۱۲) مبلغان تفکر محور، ویژه بندگانی است که با اندیشه قرآنی برترین رفتار و نیکوترین گفتار را در عرصه تبلیغ برگزینند، و مسائل دین را با محکم ترین دلائل عقلی و شرعی تبیین کنند. پس اگر شخصی به دین اسلام و انجام کارهای نیک اعتقاد داشت، سپس اطرافیان خویش را با بهترین شیوه تبلیغی به سوی خداوند دعوت نمود، سخنش احسن القول خواهد بود.

## ۶. سخن «لین»؛ نرم و ملایم

واژه «لین» مقابل خشن است و در هر جا به مناسبت خود اطلاق می شود؛ در لباس به نرمی و زبری آن گفته می شود، در پوست بدن به نرمی و زبری پوست و در اخلاق به صفات حمیده و رذیله. (طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۶۹ش: ج ۹، ص ۳۵) در کلام نیز به نرمی و انعطاف که مقابل خشونت در گفتار است، به کار برده می شود. خداوند به حضرت موسی و هارون (علیهما السلام) فرمان داد: «اَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ؛ به سوی فرعون روید که او طغیان کرده است، فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ؛ و با او به نرمی سخن گوید، شاید پند گیرد، یا بترسد. (سوره طه، ۴۳-۴۴) آیه مذکور بر اهمیت خوش گفتاری در تبلیغ و دلسوزی در امر هدایت نسبت به آحاد جامعه تاکید دارد، حتی اگر مخاطب ما منحرف ترین اشخاص همانند فرعون باشد.

مفسران «قَوْلًا لَّيْنًا» را به اقوالی چند تفسیر کرده اند: سخن نرم و بدون خشونت، (ایجی، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۴ق: ج ۱۶، ص ۱۲۹) خطاب با کنیه یا لقب، (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۲۴ق: ج ۷، ص ۲۴۲۳) سخن آهسته، (ایجی، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۴ق: ج ۲۶، ص ۷۴) مدارا کردن و ترک مخالفت. (طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، بی تا: ج ۱۶، ص ۲۹) دلائل دستور خدا به نرمی سخن با فرعون را می توان در موارد ذیل یافت: الف. فرعون حق پدر تربیتی بر حضرت موسی (ع) داشت، (رسعنی، رموز الكنوز فی تفسیر الكتاب العزیز، ۱۴۲۹ق: ج ۴، ص ۵۱۰) ب. سلاطین با کلام نرم، انعطاف

پذیرترند تا درشتی سخن. (سمرقندی، بحر العلوم، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ص ۴۰۰) بدان امید که سخن به قلب آنان نفوذ کند. ج. غلظت سخن با برخی مخاطبان، لجاجت آور است. (طبرانی، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، ۲۰۰۸م: ج ۴، ص ۲۴۱) هـ سخن نرم با مخالفان برای آن است که به این آیه عمل شده باشد: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»؛ و آنهایی را که جز خدا می خوانند دشنام ندهید که آنان از روی دشمنی به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد. (سوره انعام، ۱۰۸)

فایده نرمی سخن با کسانی که احتمال می رود به هیچ وجه ایمان به خداوند نمی آورند، این است که بر آنها اتمام حجت شود و روز قیامت بهانه‌ای به درگاه خداوند نداشته باشند. این آیه روش دعوت به سوی دین خدا را محبت و امیدمحوری دانسته است. به کار بردن کلمات خشن و الفاظ رکیک و لحن تند سبب تنفر و دین‌گریزی می شود. حالت نرم‌خویی در مقام دعوت و برخورد با دوستان و مخالفان نعمتی است که به سبب آن خداوند بر پیامبر (ص) خود منت گذاشته و آن را باعث جذب قلوب مردم و اسلام آوردن آن‌ها دانسته است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ»؛ [ای پیامبر] پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم خوی شدی، و اگر درشت خوی و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می شدند...». (سوره آل عمران، ۱۵۹)

## ۷. گفتار «سدید»؛ محکم و استوار

«قول سدید» سخنی است که در آن قصد و نیت حق و راستی باشد. واژه «سداد» به معنای قصد به سوی حق و سخن به عدل است، چنان که گویند: «سَدَدُ السَّهْمِ نَحْوُ الرَّمِيَةِ: تِيرَ رَاسْتٍ وَ مَسْتَقِيمٍ بِه طَرَفِ شَكَارِ رَفْتٍ». (طبرسی، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ۱۳۷۵ش: ج ۵، ص ۱۵۸) در قرآن دو بار از قول سدید یاد شده است، یک‌جا سفارش به وارثان یا سرپرستان ایتم کرده است: «وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»؛ و کسانی که فرزندان ناتوان پس از خود به جای می گذارند، اگر بر آنان [از ضایع شدن حقوقشان] بیم دارند، باید [از اینکه حقوق یتیمان دیگران را ضایع کنند]

بترسند. پس لازم است [نسبت به امور یتیمان] از خدا پروا کنند و [درباره آنان] سخنی استوار گویند». (سوره نساء، ۹) و در جای دیگر، قرآن کریم همه متقیان را مورد خطاب قرار داده و به کار بردن سخن سدید را در همه احوال به آنها سفارش کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و سخن درست و استوار گویند». (سوره احزاب، ۷۰)

اقوال مفسران در تفسیر «قول سدید» این گونه آمده است: گفتار صواب و صحیح، (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ج ۸، ص ۳۶۶) سخن عادلانه، (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ج ۳، ص ۲۱) سخن موافق ظاهر و باطن و صادقانه، (همان، ص ۵۸۴) قول معتدلانه بدون افراط و تفریط، (شیبانی، مختصر نهج البیان، ۱۳۷۶ش: ص ۴۲۷) سخن مشفقانه و مؤدبانه، (فیض کاشانی، الأصفی فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۱۹۶) مفید و بدون لغو. (آل غازی، بیان المعانی، ۱۳۸۲ش: ج ۵، ص ۴۹۷) پس قول سدید گفتار شایسته‌ای است که زیانی در بر نداشته باشد. (حسینی همدانی، انوار درخشان در تفسیر قرآن، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ص ۳۵۰) آنجا که در مورد ایتم است قول سدید یعنی اینکه با ایتم طوری سخن بگویند که آنها را زجر ندهد، بلکه همانند فرزندان خویش آنها را با مهربانی و شفقت خطاب کنید، به خاطر آنکه یتیم ضعیف گشته و نیازمند سخن محبت آمیز است. (رسعی، رموز الکنوز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۱، ص ۴۳۱)

خطاب آیه هفتاد از سوره احزاب به همه متقیان است که موظفند قول سدید را در مقابل هر مخاطب رعایت کنند، چونکه راستی در گفتار، رأس هر خیری است. (مقدس اردبیلی، زبدۃ البیان فی أحكام القرآن، بی تا: ص ۳۵۴) سخنی که موجب رضایت الهی باشد، به این معنا که صدق و صواب باشد نه کذب و خطا. سخنی که همچون سدّی محکم، جلو شک و شبهه و فساد را بگیرد. علامه طباطبایی (ره) می گوید:

«کلمه «سدید» از ماده «سداد» است، که به معنای اصابت رأی، و داشتن رشاد است، و بنابراین، قول سدید عبارت است از کلامی که هم مطابق با واقع باشد، و هم لغو نباشد، و یا

اگر فایده دارد، فایده‌اش چون سخن چینی و امثال آن غیر مشروع نباشد. پس بر مؤمن لازم است که به راستی آنچه می‌گوید مطمئن باشد، و نیز گفتار خود را بیازماید، که لغو و یا مایه افساد نباشد». (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۴ش: ج ۱۶، ص ۵۲۱) گفتار حق و صواب سخن یکی از عوامل مؤثر در اصلاح نفس است که سبب رشد معنوی و فکری خود و اطرافیان می‌شود.

بنابراین، سخنان مبلّغ دین باید از منابع موثق و معتبر گرفته شده باشد و از درستی و راستی گفتار برخوردار باشد تا شک و سستی در آن راه نیابد. سخنان سست و بی پایه از لحاظ دینی و علمی می‌تواند ما را از این ویژگی سخن دور کند؛ از این رو لازمه تحقق قول سدید این است که سخن یقینی و مطابق با واقع گفته شود. قرآن کریم می‌فرماید: «بَنِيَّ يَقِينِ؛ خبر یقینی» (سوره نمل، ۲۲) و هم‌چنین در گفتار هیچ‌گونه باطلی نباشد: «اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ؛ از گفتار لغو و بیهوده اجتناب کنید». (سوره حج، ۳۰) اشاعه‌ی فحشا و نشر شایعات و دروغ‌ها در فضای مجازی و بین مردم، مخالف قول سدید است.

### ۸. گفتار «میسوراً»: سهل و آسان

خداوند قول میسور را در قرآن ذکر کرده است: «وَأِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا؛ و اگر به امید رحمتی که از پروردگارت جویای آنی، از ایشان روی می‌گردانی، پس با آنان سخنی نرم بگوی». (سوره اسراء، ۲۸) واژه «میسور» از ماده «یسر» به معنی راحت و آسان است، و در آیه مذکور مفهوم وسیعی دارد که هر گونه سخن نیک و برخورد توأم با احترام و محبت را شامل می‌شود. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۲ش: ج ۱۲، ص ۸۹) در آیه‌ی فوق ضمیر «عنهم» بازگشت به ذی القربی، مسکین و ابن سبیل دارد، که منظور از گفتار میسور در این آیه همان سخن نرم و آسان است. صاحب تفسیر کاشف آیه را این‌چنین معنا می‌کند: «هرگاه یکی از این گروه‌های سه‌گانه مقداری از مال را از تو درخواست کند و تو هم چیزی که به آنان بدهی نداشته باشی و از خدا بخواهی که هم او و هم تو را از بخشش و رحمت خود بی‌نیاز کند، در چنین حالتی، با آنان به نرمی سخن

بگو، بدین ترتیب که به او وعده نیکو بده، تا در دلش آرزو و امید برانگیزی». خوش رفتاری با فقیران در حدیث آمده است که: «اگر با مالتان برای مردم تلاش نکردید، با اخلاقتان برای آنان تلاش کنید». (مغنیه، ترجمه تفسیر کاشف، ۱۳۷۸ش: ج ۵، ص ۷۱) با زبان خوش با آنها رفتار کنید و گفتاری بگویید که شنیدنش آسان باشد، نه این که شنیدنش سخت و دشوار باشد و آن گفتاری است که با گفتن آن دلها خوش شود. (کاشانی، تفسیر خلاصه منهج الصادقین، ۱۳ش: ج ۳، ص ۱۱۰)

اقوال مفسران در «قولاً میسوراً» نزدیک به هم آمده است: سهل و آسان، (صنعانی، تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ص ۳۲۰) نرم و خوش، (ابوعبیده، مجاز القرآن، ۱۳۸۱ش: ج ۱، ص ۳۷۵) سخن نیک، (ایجی، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۴ق: ج ۲۱، ص ۲۹) آرامش بخش و از بین برنده ترس، (جرجانی، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۳۰ق: ج ۲، ص ۲۵۸) وعده جمیل و احسان و امیدوار کننده. (طبرسی، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ۱۳۷۵ش: ج ۳، ص ۴۵۵) مدارا کردن زبانی، (ابوحیان، تفسیر النهر الماد من البحر المحیط، القسم الاول، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۲۹۴) سخنی زیبا و مورد پسند. (ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ق: ج ۱۵، ص ۱۲۶) نرمی سخن و مهربانی در همه اقوال مشترک بود. پس این افراد آسیب دیده را با زکات مال و زبان - خوش گفتاری - دریابیم، چرا که برخی از افراد نمی توانند فقر و نداری را تحمل کنند و با اندکی بدزبانی از اطرافیان، قافیه را می بازند: «إنّ الفقر کاد أن یكون کفراً؛ فقر و تنگدستی نزدیک است که به کفر بینجامد». (حکیمی، الحیاء، ۱۳۸۰ش: ج ۴، ص ۶۱۴) این گونه اشخاص که در لبه پرتگاه قرار دارند، بر مبلغان دین واجب است که با رویکرد عقلانی - عاطفی به سراغ آنها رفته و مشکلات مالی و دینی آنها را برطرف کنند.

### نتیجه گیری

دنیای کنونی که با پیشرفت علم و تکنولوژی همراه است، سخنان مبلغ دین در منظر همگان قرار می گیرد؛ از این رو رعایت ویژگی های سخن تبلیغی در این زمانه ضرورت



مضاعف دارد. قول بلیغ، سخنی رسا و پیراسته که معارف دینی و اخلاقی را بدون پیچیدگی فنی و علمی به عموم مردم باز تاب می‌دهد. قول کریم، سخنی ارجمند و بزرگوارانه به جهت تکریم والدین، معلمان و بزرگسالان است. قول معروف، سخنی که از بُعد محتوا دارای متانت و از لحاظ تُن صدا عقیفانه است. قول حسن، سخنی نیک و خوش با سعه صدر است که مخاطبان آن مسلمانان و غیر مسلمانان است. قول احسن، سخنی است ویژه مبلغان تفکر محور که در گفتارهای گوناگون به گزینش نیکوترین آنها می‌پردازند. قول لَین، سخنی نرم که در تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر از هر چیزی کارسازتر است، و در دعوت صاحبان قدرت و منصب به سوی حق کاربردی اساسی دارد. قول سدید، سخنی محکم و استواری که متکی بر یقین و واقعیت بوده و از سستی و ریب به دور است. قول میسور، سخنی آسان و بدون درشتی است که به مخاطبان طبقه پایین جامعه، کرامت و عزت می‌بخشد.

### فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. طباطبایی، محمدحسین، «ترجمه تفسیر المیزان»، ۲۰ جلد، چاپ: ۵، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ایران - قم، ۱۳۷۴ ه.ش.
۲. مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، ۲۸ جلد، چاپ: ۱۰، دار الکتب الإسلامیه، ایران - تهران، ۱۳۷۱ ه.ش.
۳. کمالی دزفولی، علی، «قرآن ثقل اکبر»، ۱ جلد، چاپ: ۱، اسوه، ایران - قم، ۱۳۷۲ ه.ش.
۴. عضیمه، صالح، «معنا شناسی واژگان قرآن»، ۱ جلد، چاپ: ۱، آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، ایران - مشهد مقدس، ۱۳۸۰ ه.ش.

۵. قرائتی، محسن، «تفسیر نور»، ۱۰ جلد، چاپ: ۱، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ایران - تهران، ۱۳۸۸ ه.ش.
۶. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، ۲۰ جلد، چاپ: ۱، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ایران - مشهد مقدس، ۱۴۰۸ ه.ق.
۷. مراغی، احمد مصطفی، «تفسیر المراغی»، ۳۰ جلد، چاپ: ۱، دار الفکر، لبنان - بیروت.
۸. کاشانی، محمد بن مرتضی، «تفسیر المعین»، ۳ جلد، چاپ: ۱، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ایران - قم، ۱۴۱۰ ه.ق.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، «أنوار التنزیل و أسرار التأویل»، ۵ جلد، چاپ: ۱، دار إحياء التراث العربی، لبنان - بیروت، ۱۴۱۸ ه.ق.
۱۰. شیخ علوان، نعمه الله بن محمود، «الفواتح الإلهیة و المفاتيح الغیبیة: الموضحة للكلم القرآنیة و الحكم الفرقانیة»، ۲ جلد، چاپ: ۱، دار رکابی للنشر، مصر - قاهره، ۱۹۹۹ م.
۱۱. طیب، عبدالحسین، «اطیب البیان فی تفسیر القرآن»، ۱۴ جلد، چاپ: ۲، اسلام، ایران - تهران، ۱۳۶۹ ه.ش.
۱۲. موسوی سبزواری، عبدالاعلی، «مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن»، ۱۱ جلد، چاپ: ۲، دفتر سماحه آیت الله العظمی السبزواری، [بی جا] - [بی جا]، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۳. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، «اخلاق ناصری»، ۱ جلد، چاپ: ۱، علمیه اسلامیة، ایران - تهران، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، «مجمع البحرین»، ۶ جلد، چاپ: ۳، مرتضوی، ایران - تهران، ۱۳۷۵ ه.ش.
۱۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، «لسان العرب»، بیروت، چاپ: سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.

۱۶. مقاتل بن سلیمان، «تفسیر مقاتل بن سلیمان»، ۵جلد، چاپ: ۱، دار إحياء التراث العربی، لبنان - بیروت، ۱۴۲۳ ه.ق.
۱۷. قمی، علی بن ابراهیم، «تفسیر القمی»، ۲جلد، چاپ: ۳، دار الکتب، ایران - قم، ۱۳۶۳ ه.ش.
۱۸. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، «زاد المسیر فی علم التفسیر»، ۴جلد، چاپ: ۱، دار الکتب العربی، لبنان - بیروت، ۱۴۲۲ ه.ق.
۱۹. اشکوری، محمد بن علی، «تفسیر شریف لاهیجی»، ۴جلد، چاپ: ۱، دفتر نشر داد، ایران - تهران، ۱۳۷۳ ه.ش.
۲۰. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، «تفسیر القرآن العظیم»، ۹جلد، چاپ: ۱، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، لبنان - بیروت، ۱۴۱۹ ه.ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، «ترجمه تفسیر مجمع البیان»، ۲۷جلد، چاپ: ۱، فراهانی، ایران - تهران.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، «ترجمه تفسیر جوامع الجامع»، ۶جلد، چاپ: ۱، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ایران - مشهد مقدس، ۱۳۷۵ ه.ش.
۲۳. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، «روضه الواعظین»، مترجم: مهدوی دامغانی، چاپ: اول، تهران، ۱۳۶۶ ش.
۲۴. نراقی، مهدی بن ابی ذر، «جامع السعادات»، ۳جلد، چاپ: ۱، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، لبنان - بیروت.
۲۵. امینی، عبدالحسین، «الغدير فی الكتاب و السنة و الادب»، چاپ: اول، قم، ۱۴۱۶ق.
۲۶. ابن بابویه، محمد بن علی، «الأمالی»، چاپ: ششم، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۲۷. قرشی بنابی، علی اکبر، «قاموس قرآن»، ۷جلد، چاپ: ۶، دار الکتب الإسلامیة، ایران - تهران، ۱۳۷۱ ه.ش.

۲۸. قرشی بناپی، علی اکبر، «تفسیر احسن الحدیث»، ۱۲ جلد، چاپ: ۲، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، ایران - تهران، ۱۳۷۵ ه.ش.
۲۹. فارسی، حسن بن احمد، «الحجۃ للقرآء السبعة»، ۷ جلد، چاپ: ۲، دار المأمون للتراث، لبنان - بیروت، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. میبدی، احمد بن محمد، «کشف الاسرار و عدة الأبرار»، ۱۰ جلد، چاپ: ۵، امیر کبیر، ایران - تهران، ۱۳۷۱ ه.ش.
۳۱. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، «منهج الصادقین فی إلزام المخالفین»، ۱۰ جلد، چاپ: ۱، کتابفروشی اسلامیہ، ایران - تهران، ۱۳ ه.ش.
۳۲. محلی، محمد بن احمد، «تفسیر الجلالین»، ۱ جلد، چاپ: ۱، مؤسسۃ النور للمطبوعات، لبنان - بیروت، ۱۴۱۶ ه.ق.
۳۳. شیخ علوان، نعمه الله بن محمود، «الفواتح الإلهیة و المفاتيح الغیبیة: الموضحة للكلم القرآنیة و الحكم الفرقانیة»، ۲ جلد، چاپ: ۱، دار رکابی للنشر، مصر - قاهره، ۱۹۹۹ م.
۳۴. ابن عجیبه، احمد، «البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید»، ۵ جلد، چاپ: ۱، حسن عباس زکی، مصر - قاهره، ۱۴۱۹ ه.ق.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، «التبیان فی تفسیر القرآن»، ۱۰ جلد، چاپ: ۱، دار إحياء التراث العربی، لبنان - بیروت.
۳۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، «بحار الأنوار»، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ناشر: دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۳۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، «تفسیر الصافی»، ۵ جلد، چاپ: ۲، مکتبۃ الصدر، ایران - تهران، ۱۴۱۵ ه.ق.
۳۸. داورپناه، ابوالفضل، «انوار العرفان فی تفسیر القرآن»، ۱۶ جلد، چاپ: ۱، کتابخانه صدر، ایران - تهران، ۱۳۶۶ ه.ش.

۳۹. امامی، عبدالنبی، «فرهنگ قرآن، اخلاق حمیده»، ۳ جلد، چاپ: ۱، مطبوعات دینی، ایران - قم، ۱۳۸۹ ه.ش
۴۰. خطیب، عبدالکریم، «التفسیر القرآنی للقرآن»، ۱۶ جلد، چاپ: ۱، دار الفکر العربی، لبنان - بیروت، ۱۴۲۴ ه.ق.
۴۱. ایچی، محمد عبدالرحمن، «جامع البیان فی تفسیر القرآن»، ۴ جلد، چاپ: ۱، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، لبنان - بیروت، ۱۴۲۴ ه.ق.
۴۲. رسعی، عبدالرزاق بن رزق الله، «رموز الكنوز فی تفسیر الکتب العزیز»، ۹ جلد، چاپ: ۱، مکتبۃ الأسدی، عربستان - مکه مکرمه، ۱۴۲۹ ه.ق.
۴۳. سمرقندی، نصر بن محمد، «تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم»، ۳ جلد، دار الفکر، لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۶ ه.ق.
۴۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، «التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم»، ۶ جلد، چاپ: ۱، دار الکتب الثقافی، اردن - اربد، ۲۰۰۸ م.
۴۵. شیبانی، محمد بن علی نقی، «مختصر نهج البیان»، ۱ جلد، چاپ: ۱، منظمۃ الاوقاف و الشؤون الخیریة، دار الأسوة للطباعة و النشر، ایران - تهران، ۱۳۷۶ ه.ش.
۴۶. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، «الأصفی فی تفسیر القرآن»، ۲ جلد، چاپ: ۱، مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی، ایران - قم، ۱۴۱۸ ه.ق.
۴۷. آل غازی، عبدالقادر، «بیان المعانی»، ۶ جلد، چاپ: ۱، مطبعة الترقی، سوریه - دمشق، ۱۳۸۲ ه.ق.
۴۸. حسینی همدانی، محمد، «انوار درخشان در تفسیر قرآن»، ۱۸ جلد، چاپ: ۱، لطفی، ایران - تهران، ۱۴۰۴ ه.ق.
۴۹. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، «زبدۃ البیان فی أحكام القرآن»، ۱ جلد، چاپ: ۱، مکتبۃ المرتضویة، ایران - تهران.

۵۰. مغنیه، محمدجواد، «ترجمه تفسیر کاشف»، ۸جلد، چاپ: ۱، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ایران - قم، ۱۳۷۸ ه.ش.
۵۱. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، «تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق»، ۲جلد، چاپ: ۱، دار المعرفة، لبنان - بیروت، ۱۴۱۱ ه.ق.
۵۲. ابو عبیده، معمر بن مثنی، «مجاز القرآن»، ۲جلد، چاپ: ۱، مکتبۃ الخانجی، مصر - قاهره، ۱۳۸۱ ه.ق.
۵۳. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، «درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم»، ۲جلد، چاپ: ۱، دار الفکر، اردن - عمان، ۱۴۳۰ ه.ق.
۵۴. ابو حیان، محمد بن یوسف، «تفسیر النهر الماد من البحر المحیط»، ۲جلد، چاپ: ۱، دار الجنان، لبنان - بیروت، ۱۴۰۷ ه.ق.
۵۵. ابن عاشور، محمد طاهر، «تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور»، ۳۰جلد، چاپ: ۱، مؤسسۃ التاریخ العربی، لبنان - بیروت، ۱۴۲۰ ه.ق.
۵۶. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، «الحیاء»، مترجم: احمد آرام، چاپ: اول، تهران، ۱۳۸۰ ش.